

مصاحبه با هوارد زین و به یاد او

یادداشت از برنامهء دانیل مرمه، رادیو France Inter

پخش در تاریخ ۲۹ ژانویه ۲۰۱۰

هوارد زین مورخ، استاد دانشگاه، نویسنده و نمایشنامه نویس آمریکایی و مبارز ضد تبعیض نژادی، ضد جنگ ویتنام و ضد جنگ در عراق در ۲۷ ژانویه درگذشت. «تاریخ مردمی ایالات متحده» اثر برجستهء اوست که تاریخ را نه از دید فاتحان و استعمارگران، بلکه از دید مردم عادی و زحمتکش که اکثریت جامعه را تشکیل می دهند نگاشته است:

Howard Zinn, Une histoire populaire des Etat-Unis, de 1492 à nos jours

تاریخ مردمی ایالات متحده از ۱۴۹۲ تا امروز، ترجمهء فرانسوی، انتشارات آگون، مارس ۲۰۰۲

این مصاحبه در آوریل ۲۰۰۹ در شهر بوستون آمریکا انجام شده و هوارد زین از زندگی خود برای ما صحبت می کند. ایده های او از کجا سرچشمه می گیرد و چه رویدادی باعث شده که وی چنین نگاهی داشته باشد؟ مصاحبه با کسی که در ۲۷ ژانویه (۲۰۱۰) درگذشت، کسی که بینش آمریکایی ها را نسبت به خودشان تغییر داد و نیز نگاه ما را نسبت به آنان (۱).



در ژنریک این برنامهء رادیویی صدای پرواز هواپیما نیز چند لحظه ای به گوش می رسد، بهانه یا امری نمادین برای آنکه هوارد زین از صدای یک هواپیما صحبت کند که ۶۰ ثانیه پرواز کرده و ممکن بوده بیشتر پرواز کند. این صدای چیست؟ صدای هواپیمایی که هوارد زین از آن سخن می گوید؟ هواپیمایی که پرواز کرده و احتمالاً روزی بازهم پرواز خواهد کرد. صدای دنیایی دیگر، دنیای ممکن دیگر. چه چیز او را به چنین سخنی واداشته؟ او مورخ است و دارد دربارهء کمون پاریس سخن می گوید. ما دربارهء کمون صحبت می کردیم و دربارهء بارسلون در جریان جنگ داخلی اسپانیا. ما در جست و جوی نمونه هایی از لحظاتی در تاریخمان بودیم که بتواند همچون مرجع و رفرانس به کار آید برای رسیدن به یکی از این دنیاهای ممکن. دنیایی که برخی رؤیایش را دارند و از چنین رؤیایپردازی دست بر نمی دارند. این است آن تصویری که هوارد زین ارائه می دهد. شك نیست که پرواز هواپیما چندان طول نکشیده، اما همین که یک هواپیما توانسته پرواز کند امیدی ست و استعاره ای برای دنیایی ممکن.

یک ساعت با هوارد زین خواهیم گذراند، مردی دارای نفسی چنین نیرومند، نفسی واقعاً از تاریخ، تاریخ مردمی ایالات متحده، تاریخ ایالات متحده که از آن بی خبریم، تاریخی از دید آدم های عادی و خرد، از دید سیاهان، از دید کارگران، از دید کسانی که هرگز از تاریخ خود سخن نمی گویند، تاریخی نه آنکه از زبان قدرتمندان روایت می شود.

کتاب هوارد زین را تصادفی باز می کنیم و داستان پیاده شدن نیروهای آمریکایی را در شمال فرانسه می یابیم که در جنگ جهانی دوم علیه نیروهای آلمانی اتفاق افتاد. نویسنده برای ما روایت می کند که در نیروهای ارتش آمریکا سیاهان و سفیدها از هم جدا بودند، درحالی که همه خود را آماده می کردند تا در خاک اروپا با نازی ها روبرو شوند. سیاهان را در انتهای فضای کشتی نگه می داشتند، نزدیک موتورخانه، بدور از اندکی هوای تازه، یادآور کشتی هایی که در زمان های قدیم برده ها را با آن حمل می کردند.

ناو کوین مری Queen Mary برای نجات اروپا آمده بود، اما در درون خود با سیاهان برپایه تبعیض نژادی برخورد می کرد که با تجارت برده شباهت داشت. نویسنده روایت می کند که چطور صلیب سرخ با موافقت دولت آمریکا، خون سفیدان را با خون سیاهان درهم نمی آمیخت و طنز تاریخ اینکه پزشکی سیاه پوست بود به نام چارلز درو Charles Drew که پیشرفت در سیستم انتقال خون را به او مدیونیم. او در جریان جنگ مسؤول سازماندهی اهدای خون بود و در پایان، از اینکه جلوی تبعیض را در این مورد گرفته بود از وی قدردانی شد [ص ۷۱-۴۷۰]. این مقاومت بود، مقاومت یک پزشک. تمام این کتاب مقاومت را بازگو می کند. از ۱۴۹۲ تا امروز.

از ورود کریستف کلمب آغاز می کند تا کنون. هوارد زین تقریباً مثل یک خبرنگار عمل می کند و تاریخ را آنطور که روزمره رخ می دهد روایت می کند. او در حالی که مورخ وقایع نگار حال است مورخ روزگاران طولانی نیز هست. بین این دو لحظه زمانی ست که او با ما سخن می گوید و بین این دو تنش است که در کتابش تاریخ را برایمان روایت می کند، یعنی آنچه ما مردم برای تاریخ انجام می دهیم و آنچه تاریخ برای ما انجام می دهد.

دانیل مرمه: عنوان کتاب Histoire populaire است. این صفت «مردمی یا خلقی» برای ما کمی شک برانگیز است، مثل دموکراسی «مردمی» پوپولر، مثل پوپولیسیت. آیا به کارگیری این واژه در آمریکا هم چنین پژوهشی دارد؟

هوارد زین: در آمریکا گفته می شود A People's History of the US یعنی تاریخ مردم ایالات متحده. ناشر فرانسوی چنین عنوانی را برگزیده. از نظر من، این تاریخ مردم عادی ایالات متحده است. د. م. خواست شما این است که تاریخ مردم را برای مردم روایت کنید؟ ه. ز. این تعریف دموکراسی ست: حکومت مردم، توسط مردم برای مردم. د. م. این هدف کتاب است؟ ه. ز. هدف این است که نشان دهیم در آمریکا حکومت مردم ایالات متحده نداریم. ما حکومتی برای مردم نداریم.

د. م. با وجود این شما یک دموکراسی هستید.

ه. ز. آری، اما...

د. م. چرا نیستید؟

ه. ز. من در کتاب نشان داده ام که پدران بنیانگذار [کشور ایالات متحده] قصد نداشتند که دموکراسی برقرار کنند. کسانی که در ۱۷۸۷ قدرت داشتند دموکراسی نمی خواستند. آنها دولتی مرکزی و قوی می خواستند که منافع نخبگان را تأمین کند. آن ۵۵ نفری که قانون اساسی را نوشتند نماینده مردم نبودند. آنها برده دار بودند. بازرگان یا زمیندار یا سهامدار بودند. آنها از شورش می ترسیدند. درست قبل از آنکه قانون اساسی نوشته شود در ماساچوست یک قیام رخ داد در ۱۷۸۶ [ص ۱۱۰ کتاب]. این قیام موجب ترس رهبران آمریکا گشت. آنها به یکدیگر نامه نوشتند. یکی از این نامه ها خطاب به جرج واشینگتن است و می گوید: «شما می دانید که این شورشیان همان انقلابیون قدیمی علیه انگلیس هستند و فکر می کنند که چون در جنگ انقلابی شرکت کرده اند حق دارند در ثروت کشور سهیم باشند و ما نباید چنین اجازه ای به آنها بدهیم. بنا بر این، ما باید حکومتی برپا کنیم که بتواند شورش را سرکوب کند.

د. م. «تنها با پنجاه مرد می توانستیم همه شان را به اطاعت واداریم و وادارشان کنیم آنچه می خواهیم انجام دهند» این حرف کریستف کلمب است درباره بومیان آمریکا در همان لحظه ای که برای نخستین بار در آراواک Arawak پیاده شد در ۱۴۹۲ [ص ۵ کتاب].

شما در جای دیگر می گوید: یک درصد جمعیت آمریکا یک سوم ثروت ملی را صاحب است و بقیه این طور قسمت می شود که ۹۹ درصد جمعیت روی سر هم سوار شوند و به جان یکدیگر بیفتند. اما به رغم این درگیری تلخ و نومید کننده که ۹۹ درصد جدا جدا، بر سر منابع کمیاب و نادری که از دست برگزیدگان حاکم در

امان مانده، با یکدیگر درگیرند می گویند: «من موفق شده ام این ۹۹ درصد را یکجا جمع کنم و آنها را مردم آمریکا بنامم».

این است آنچه مؤلف قصد دارد با عنوان کتاب: «تاریخ مردم ایالات متحده» بیان کند. خب، این مردم بومیان هستند، برده های فراری، سربازان فراری، کارگران جوان کارگاه های بافندگی، سندیکالیست ها، مردان قورباغه ای جنگ ویتنام و فعالان سالهای ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ که آنها را در تظاهرات علیه جنگ عراق دیده ایم. از کریستف کلمب تا جرج بوش از دید مردم اعماق. آمریکایی که درست در نقطه مقابل تصویری ست که ما از این کشور داریم و خواستاریم که شبیه آن شویم زمانی که بعضی می گفتند «ما همه آمریکایی هستیم» [اشاره است به سرمقاله ژان ماری کولومبانی مدیر سابق لوموند بلافاصله پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱].

(خطاب به هوارد زین): شما در کتابتان از ۱۴۹۲ آغاز می کنید. روز به روز، تقریباً همچون یک خبرنگار. آیا می توانید بگویید که آمریکا یک دموکراسی ست یا نه؟

ه. ز. ایالات متحده گاه دموکراسی ست، گاه نه. به طور کلی، حکومت ایالات متحده امروزه در کنترل شرکت های نیرومند است و هر دو حزب بزرگ جمهوری خواه و دموکرات وابسته به شرکت های بزرگ اند. فرآیند سیاسی فرآیند سیاسی دموکراتیک نیست زیرا تحت کنترل سرمایه داران (تأمین کنندگان پول) است، لذا برای یک کاندیدای نیروی سوم محال است به مرحله ای برسد که انتخاب شود. نکته دیگر درباره دموکراسی این است که دموکراسی نیازمند تبادل آزاد عقاید و آراء است. در ایالات متحده که غالب رسانه های گروهی، روزنامه ها و رادیو تلویزیون ها تحت کنترل ثروتمندان قرار دارند، تبادل آزاد آراء بسیار سخت است.

بنابر این، مسأله دموکراسی در ایالات متحده در آری یا نه نیست، بلکه در این است که رسانه های گروهی تا چه حد تحت کنترل شرکت های ثروتمند هستند، ولی ما خارج از این دایره، اندکی دموکراسی داریم. د. م. وقتی می گویند «ما» منظور چه کسانی ست؟

ه. ز. منظورم از «ما» اپوزیسیون است. مردمی که در آمریکا ضد جنگ هستند و خواستار توزیع عادلانه تری از ثروت. کسانی که خواستار اصلاح نظام قضائی و زندان هستند. د. م. با وجود این، ایالات متحده تصویر آزادترین کشور دنیا را دارد.

ه. ز. این تصویری ست که خود ایالات متحده از خود درست کرده، یک تصویر ساختگی که به همه دنیا نشان داده می شود. ما (اپوزیسیون) می توانیم با هزار نفر، دو هزار، سه هزار نفر صحبت کنیم، اما بوش ۳۰ میلیون را مورد خطاب قرار می دهد.

د. م. اما از کتاب شما خوب استقبال شده و یک میلیون از آن در آنجا به فروش رفته. این یک موفقیت انتشاراتی، مردمی و دانشگاهی ست.

ه. ز. ممنوم. باشد، اما یک میلیون نفر در آمریکا اکثریت نیست. هیچ رادیو یا تلویزیون مهمی کلمه ای درباره کتاب من نگفته. اما نمی خواهم کاملاً بدبین باشم، زیرا اپوزیسیون در آمریکا میلیون ها نفر را دربر می گیرد، ولی جاهای دیگر دنیا این اپوزیسیون را نمی بینند.

د. م. ستاره ها، چهره های مشهور اپوزیسیون در آمریکا مایکل مور، نوآم چامسکی و شما در آینده (ببخشید شما هنوز ستاره نیستید). این اپوزیسیون در ایالات متحده چقدر واقعیت دارد؟

ه. ز. در دنیای امروز ستاره ها مهم اند، اما در پشت سر این ستاره ها مردمان واقعی قرار دارند. پیش از آغاز جنگ با عراق صدها هزار نفر در سراسر کشور به تظاهرات علیه آن می پرداختند. اینها کسانی بودند که می توانستند شرکت کنند. پشت هر یک از تظاهر کنندگان شاید ۵۰ نفر باشند که به دلایلی نمی توانستند شرکت کنند، اما می خواستند. این است که می توان گفت میلیونها نفر علیه جنگ بودند.

ما جنبش سندیکایی نیرومندی نداریم و از این لحاظ ضعیف هستیم. ما سازماندهی مرکزی برای جنبش در ایالات متحده نداریم ولی در شهرهای کوچک هم فعالیت علیه جنگ داریم.

د. م. درباره رهیافت شما به تاریخ صحبت کنیم. شما آمریکای اعماق را روایت می کنید. تأثیر تاریخ را بر مردم بیان می کنید، آیا تأثیر مردم را هم بر تاریخ می گویند؟ واقعیت این است که تاریخ را فاتحان روایت

می کنند (۲). تاریخ آمریکا این طور روایت شده و چون آمریکا بر دنیا حاکم است تاریخ آمریکا همه جا این طور روایت می شود.

هـ. ز. درست است. من می خواسته ام قربانیان جامعه را نشان دهم. بومیان را خواسته ام نشان دهم که با ورود فاتحان به این سرزمین، مقاومت کردند.

در سالهای ۱۹۶۰ که وانمود می شد بومیان ناپدید شده اند، ناگهان جنبش بومیان همه را غافلگیر کرد. روزهای تعطیل، بومیان حرفه‌اشان را می زدند. در روزهای تعطیل، در کلیساها افسانه ای شایع بود که ام نشان دهم که سپاهان قربانی جامعه آمریکا هستند. کوشیده ام بیان کنم که آنها چگونه در برابر بردگی و تبعض نژادی مقاومت کرده اند. افسانه ای بزرگ در آمریکا هست که می گوید ابراهام لینکلن سپاهان را آزاد کرد. واقعیت این است که لینکلن خیلی کند عمل می کرد. یک جنبش ضدبردگی راه افتاد با شرکت سپاهان و سفیدان که فشار زیادی بر لینکلن و کنگره وارد آورد. در نتیجه، قانون اساسی تغییر کرد.

د. م. در سراسر کتاب، مقاومت را روایت می کنید و نه اینکه مردم برای ابد قربانی اند. از جایگاهی که مورخ دارد بگویید. مورخ وقایع را بر می گزیند. عینیت گرایی و بی طرفی وجود ندارد.

هـ. ز. جالب است که وقتی در ایالات متحده به مدرسه می روید کتاب تاریخ، کتابی قطور، به شما می دهند و به شما می گویند که تمام تاریخ ایالات متحده اینجا ست و نمی گویند که این یا آن جنبه از تاریخ ایالات متحده حذف شده است. این شما را به فکر می اندازد که تاریخ چگونه نوشته شده است و متوجه می شوید که بی طرفی غیر ممکن است. مورخ نیز مانند روزنامه نگار باید بین انبوه وقایع تعدادی را که به نظرش مهم است انتخاب کند. در کتاب های تاریخ چیزهایی منعکس شده است که طبقات بالا مهم می دانسته اند.

د. م. به نظر می رسد که برای قدرتمندان، برخورد ابزاری با تاریخ امری ناگزیر است چه برای کسب قدرت، چه برای حفظ آن.

هـ. ز. درست است. وقتی می گویند تاریخ اقتصادی آمریکا، منظورشان تاریخ راکفلر، کارنگی و... ست. در کتاب های تاریخ، چیزی از خشونت و درگیری طبقه کارگر با پلیس و ارتش نمی خوانید.

د. م. شما تاریخ اول ماه مه را روایت می کنید که ابتکار آمریکا ست، که حاصل مبارزات بزرگی ست.

هـ. ز. بله، طوری وانمود می شود که گویا تعطیلی اول ماه مه از سر بزرگواری به طبقه کارگر اهدا شده، در حالی که چه مبارزاتی که پیش از آن جریان داشته و آن را باعث شده است.

د. م. چه نامی به آثار خود می دهید؟ آموزش سیاسی؟ اخلاقی؟

هـ. ز. من آن را همچون یک فعالیت سیاسی تلقی می کنم و از خوانندگانم می خواهم که در تاریخ سهیم شوند، از جنبش های اجتماعی الهام بگیرند و قهرمانانی تاریخی را برگزینند که در کتابهای تاریخ مدارس از آنها سخنی به میان نیامده است. منظورم از قهرمانان البته ژنرالها و نظامیان نیست، بلکه مردمی ست که علیه جنگ جنگیده اند.

(تنظیم برای اندیشه و پیکار ۲۱ بهمن ۱۳۸۸)

پاورقی

– نشانی اینترنتی برنامه: www.la-bas.org

۱- برخی دیگر از آثار هوارد زین:

Le xx^e siècle américain, Une histoire populaire de ۱۸۹۰ à nos jours

قرن بیستم آمریکا، تاریخ مردمی از ۱۸۹۰ تا امروز، ترجمه فرانسوی، انتشارات آگون ۲۰۰۳

L'impossible neutralité/ Autobiographie d'un historien et militant

بی طرفی ناممکن، زندگی نامه یک مورخ و مبارز به قلم خودش، ترجمه فرانسوی، انتشارات آگون ۲۰۰۶

(Karl Marx/ Le retour (Marx in Soho

مارکس و بازگشت او (در اصل انگلیسی: Marx in Soho) آگون ۲۰۰۲ (به فارسی انتشارات اندیشه و پیکار) و ...

گفتنی ست که در سال ۲۰۰۳ انجمن دوستان لوموند دیپلوماتیک به کتاب تاریخ مردمی ایالات متحده جایزه داد. نک به مقاله هئات ژوری: ساراماگو، داریوفو (برندگان نوبل ادبی)، کوستا گاوراس (سینماگر) و خوزه لوئیس سامپدرو (نویسنده):

<http://www.peykarandeesh.org/old/article/arti.pdf/Falak-ra-saghf-beshkafim.pdf>

۲- یادآور قطعه ای از شعر «میراث» اثر مهدی اخوان ثالث (م. امید) که تاریخنگاری رسمی را هنرمندانه تصویر و نقد می کند:

این دبیر گنج گول کوردل: تاریخ،
تا مذهب دفترش را گاهگه می خواست
با پریشان سرگذشتی از نیاکانم بیالاید؛
رعشه می افتادش اندر دست.
در بنان در فشانش کک شیرین سلک می لرزید.
حبرش اندر محبر پر لیکه چون سنگ سیه می بست.
زانکه فریاد امیر عادلی چون رعد برمیخاست:
- «هان، کجایی ای عموی مهربان! بنویس
ماه نور را دوش ما، با چاکران، در نیمشب دیدیم.
مادیان سرخ یال ما سه کرت تا سحر زائید.
در کدامین عهد بوده ست اینچنین، یا آنچنان؟ بنویس.»
(برگرفته از شعر زمان ما، مهدی اخوان ثالث، برگزیده محمد حقوقی، انتشارات نگاه ۱۳۷۰، ص ۱۱۷)

هوارد زین

کارل مارکس و بازگشت او

نمایشنامهء تاریخی در یک پرده

ترجمهء تراب حق شناس و حبیب ساعی

ویراست دوم ۲۰۰۹

<http://www.peykarandeesh.org/book/pdf/Marx-In-Soho.pdf>